

تقسیم اراضی وارونه!

آخرین پله های اریکه قدرت دست یافتند .
 امسال قرعه بنام " خودکفایی در امر کشاورزی " افتاده است . سوابق چ ۱۰۰ نشان می دهد ، وقتی مرگوبید ، سال خودکفایی در امر کشاورزی ، منظورش " وابستگی بیشتر راقتصاد کشاورزی ، افزایش واردات ، کاهش تولید ، تأمین و تضمین اموال ، ملاکین ، پس گرفتن زمینهای روستائیان و تشدید مهاجرت روستائیان به شهرهاست .
 هیات حاکمه هیچوقت " بی گذار به آب نمی زند " . برای دستیابی به این خواسته ها زمینه را فراهم نموده ، پیش درآمد ایمن آهنگ تکراری و ملال انگیز را در سالهای گذشته تنظیم کرده است .
 بقیه در صفحه ۳

آقای رئیس جمهور سال ۶۳ را " سال ۰۰۰ تلاش برای خودکفایی در امر کشاورزی " خوانده و گفته است : " کشاورزان و روستائیان و کسانی که بکار کشاورزی علاقمندند نیز امسال را سال تحریک کشاورزی قرار دهند تا اولین قدمها را در راه خودکفایی مواد غذایی برداریم " (روزنامه چ ۱۰۰ ، فروردین) تاکنون نامگذاری هر سال از طرف چ ۱۰۰ اسم رمزی برای عدم تحقق آن مورد خاص بوده است . " سال قانون " تبدیل به سال زیر پا گذاشتن قانون اساسی گسترش خودداری حکومت و گروههای وابسته به هیات حاکمه شد . در " سال مستضعفین " تنها کسانی که سرشان بی کلاه ماند خود مستضعفین بودند ، مستکبرین در این سال به

اکثریت

نشریه همدان صلیب فدائیان خلق ایران (انزلیت) در خارج از کشور

جمعه ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ برابر ۱۳ آوریل ۱۹۸۴
 بهاء ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۲

نگاهی به انتخابات

پس از ماهها تبلیغات ، کشمکش و درگیری اینک حکومت جمهوری اسلامی در آستانه برگزاری انتخابات دوره دوم مجلس قرار دارد . این نمایش انتخاباتی در شرایطی برگزار می شود که مهمترین مشخصه آن روی برتافتن قطعی رهبران چ ۱۰۰ از آماجهای انقلاب بهمن ، اصول مردمی و ضد امپریالیستی قانون اساسی و همه مواعیدی است که خود در آغاز انقلاب به مردم داد بودند و باز این نمایش در شرایطی برگزار می شود که سنگینی بار خفقان و ترور بنحو دهشتناکی بر زندگی مردم میهنمان سایه افکنده است . این شرایط خوددین و افشاگر نحوه انجام و اهداف حکومت در این انتخابات است .
 رهبران جمهوری اسلامی ، بطور عمد و دو هدف را در این عرصه دنبال می کنند :
 نخست تشکیل مجلسی که هیچ صدایی از آن بفتح مردم و در اعتراض به سیاستها و سنگینی حکومت بفتح تجار با زار و دیگر همالکی های غارتگرشان بگوش نرسد ، مجلسی که قدرگرایانه بگوید :
 درین آینه طوطی صفت داشته اند
 هرچه استاد ازل گفت بگو ، می گویم
 و دوم انجام امر فوق به شکلی که بیتفاوتی و نارضایتی توده های مردم را بیش از پیش دامن نزد و تعداد بیشتری از مردم را به پای صندوق رای بکشاند .
 بقیه در صفحه ۲

۹ سال از شهادت رفیق بیژن جزنی و همزمان گذشت

در صفحه ۷

جنگ

منافع چه کسانی را " تحکیم " می کند؟

مردم ایران خواهان قطع جنگ خانمان برانداز و استقرار صلح هستند . ولی رهبران جمهوری اسلامی همچنان بر ادامه جنگ اصرار می ورزند . آقای رفسنجانی سخنگوی شورای عالی دفاع ، در اوایل دی ماه خطاب به پاسداران گفت : " ما برای جمهوری اسلامی هیچ راهی جز اینکه در این جنگ به پیروزی قطعی برسیم ، نداریم " و " راه این است که به پیروزی مطلق دست پیدا کنیم " .
 بقیه در صفحه ۵

فراریان افغانی

ابزار سرکوب و جنگ افروزی رژیم ایران

جمهوری دمکراتیک افغانستان همسواره خواهان برقراری روابط حسن همجواری با ایران بوده است . برقراری مناسبات مسالمت آمیز در خدمت رفع مشکلات مرزی ایران و افغانستان و در جهت حل و فصل مسایل موجود است . اما سردمداران جمهوری اسلامی که مصالح ملی را پایمال می نمایند ، دست صلح طلبانه دولت بقیه در صفحه ۹

واردات ده برابر صادرات!

در صفحه ۲

عدم رسیدگی حکومت ، تلفات و ضایعات سیل را چند برابر کرد

در صفحه ۴

امریکا در سازمان ملل رای می خورد

در صفحه ۱۱

اوضاع در کلرخانه دخانیات پس از اعتصاب

در صفحه ۴

در جشن سیزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان در سوئد

احزاب کمونیست و سازمانهای دمکراتیک همبستگی عمیق خود را با سازمان اظهار نمودند

در صفحه ۶

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

نگاهی به انتخابات

بقیه از صفحه اول

پیشبرد هدف نخست - تشکیل مجلس تجار و شرکا - با خود ملزوماتی بهمراه داشت که موافقتی از آنرا حاکمان جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش آغاز نموده بودند. این ملزومات عبارتند از:

بیکرد و سرکوب جنایتکارانه و شقاوت‌تبار سازمانها و احزاب مترقی و انقلابی.
ارباب، تهدید و تکفیر نیروهای سیاسی در پیرامون حاکمیت که حاضر نبودند بدین سرعت و قاطعیت حرفه‌ای گذشته خود را پس بگیرند، جهت معانعت از کاندیدا شدنشان.

و بالاخره تلاش برای رسیدن به یک توافق میان جناحهای مختلف حکومت در ارائه لیست واحد انتخاباتی.

البته برگزار کنندگان انتخابات قطعاً به اقداماتی نظیر جعل رای، تعویض صندوق، گذاشتن ضریب برای آرا افراد مورد نظر و ... نیز مبادرت خواهند کرد.

اما گروه بندیها و تشکلهای مختلف درون و پیرامون حاکمیت، در پی کشمکشهای طولانی و در هراس از رشد بازهم بیشتر ناراضیاتی مردم، نتوانستند برسریست و احد به توافق برسند. حامیان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، طرفداران غارت لجام گسیخته زحمتکشانشان، منظور خویش را از کانال دیگری، شورای نگهبان - "دالان بهشت" - عملی نمودند.

از ۲۴۳ نفری که در تهران کاندیدای نمایندگی شدند - امیدي داشتند - کاندیدا تکرار حدود ۱۵۰ نفر تأیید شد. با توجه به اینکه تعداد زیادی نقش سیاهی پلنگ سر را ایفا

می کنند، از هم اکنون با اطمینان می توان گفت که نتیجه انتخابات تعیین گشته است.

سران و هواداران بازار همه جمعند: عسکرا و لادئ، مسلمان، توکلی، آمانی، پوراستاد، شفیق - مرید و معاون سابق عسکرا و لادئ و بقول خود شفیق "قیه الوزرا" - خاموشی و ... "خلوت خاص است و جای امن و نزهتگاه انس" در کنار این آقایان نورانی و در لیست تأیید شده باید با چراغ دنبال نام کاندیدایی مخالف غارت و دروغ و سازش و خیانت گشت.

هدف دوم حاکمان جمهوری اسلامی در "نمایش انتخابات" ، برگزاری ظاهرآ آبرو مندانه آن، جلوگیری از بی تفاوتی و نارضایتی اقشار بیشتری از مردم و جلب آنان به شرکت در انتخابات بود. در این زمینه تبلیغات گسترده ای نیز انجام پذیرفت که گویا

انتخابات آزاد است، هیچ کس حق دخالت در آنرا ندارد و ... بهمین منظور و بدنبال ناکامی در ارائه لیست واحد، دست به دامان دانشجویان نیز شدند. این رو بر تافتگان از خلق کوشیدند با سو استفاده از حیثیت و اعتبار نام دانشجو در میان مردم که ثمره مبارزات ده ساله جنبش دانشجویی و دانشجویان انقلابی و میهن پرست کشور است. همان دانشجویانی که نسل کنونی آن اکثر اخراج و زندانی و در مواردی اعدام شده اند - مردم بیشتری را به پای صندوق و قها و دانشجویان خودی را به میدان یکشانند.

فخرالدین حجازی می گوید: "اگر شما در انتخابات شرکت نکنید خطرناک است. مردم به حرمت شما که اهل فهم و فکرید رای می دهند" (کیهان - ۲۵ اسفند).

در این زمینه کاندیداهای سیاهی لشکر هم کارسازی می شوند!

"هرچه کاندیداها زیادتر باشند، میزان رای بیشتر می شود. ممکن است یک مقدار آرا را یک نماینده خاص پایین بیاورد. ولی در کمال هر قدر نفرت زیادتری کاندید شوند، میزان رای بالاتر می رود و این نتیجتاً و مآلاً بنفع جمهوری اسلامی است" (کروبی، سرپرست بنیاد شهید - اطلاعات ۱۸ اسفند)

شک نیست که حاکمیت ج ۱۰ در کشاندن بخشهایی از مردم به پای صندوق و قهای رای موافق خواهد بود. وجود دشمنی دامو کلس اخراج و تصفیه در ادارت و موسسات دولتی، نیاز خیل عظیم جستجوگران کار، مشتاقان ورود به دانشگاهها و سایر اقشاری که بنحوی ریششان در رگرواگانهای حکومتی است، به شناسنامه معهور به مهر - انتخاباتی و نیز جو ارباب و خفقان حاکم بر کشور از یک سو و سطح کنونی مبارزات و اعتراضات توده ای از سوی دیگر عواملی هستند که رژیم را در این زمینه یاری می دهند.

در قبال این نمایش انتخاباتی و برجینس زمینه ایست که کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و کمیته مرکزی حزب توده ایران مردم را به دادن رای مخالف به نامزد های ارائه شده از طرف حکومت دعوت کردند و رفیق فرخ نگهدار دبیر اول سازمان در بهمن ماه ۶۲ اعلام داشت:

"در این اوضاع و احوال، تکلیف مردم قبل از هر چیز آنست که از هر امکان و وسیله استفاده کنند که فریاد اعتراض، علیه خفقان و استبدادی که بر کشور سطره یافته است، بلندتر شود. مردم باید در هر کجا که هستند، اعتراض خود را علیه این نحوه برگزاری انتخابات بلند کنند و نشان دهند که مجلس آینده را قبول ندارند و به آن اعتماد نخواهند کرد."

و به آن اعتماد نخواهند کرد."

کشاورزی بود، بر اثر سیاستهای خانه خراب کن فعلی که ادامه همان سیاستهای رژیم شاه است، به شدت محتاج برنج و گندم و گوشت و ... وارد شده از امریکا، برزیل، آرژانتین و غیره است.

رهبران جمهوری اسلامی میگویند "دولت برنج دارد گندم دارد، همه چیز دارد" و البته این نکته را ناگفته میگذارند که برای اینکه بتوانند چنین اطمینان "ی" بدهند، کمر کشاورزی ایران را شکسته اند.

اقتصاد تک محصولی متکی بر فروش هر چه بیشتر نفت و وارد کردن هر چه بیشتر اجناس صررفی از غرب، که جمهوری اسلامی رسالت خود را در حفظ و تحکیم آن میداند، رژیم شاه را با بحران فلج کننده اقتصادی مواجه ساخت، بحرانی که آن رژیم نتوانست از آن جان سالم بدر ببرد. اما رهبران جمهوری اسلامی ظاهراً به هیچ وجه مایل نیستند از تجربیات اسلاف خود درس بگیرند.

طبق این آمار، "صادرات کشور نیمی در ماه مذکور بمیزان ۱۷۱۲۹ تن و به صادرات ۱۷۶۸/۶۶۹/۰۰۰ ریال بوده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲۳/۳ درصد از نظر وزن افزایش و ۸/۸ درصد از لحاظ ارزش کاهش داشته است."

آمار فوق به روشنی افشاگر سیاست ضد ملی "دروازه های باز" است. در ماه بهمن ۶۲ (یعنی کمی پس از اعلام "جهاد تخلیه کلاً") واردات کشور ده برابر (!) صادرات غیر نفتی بوده است. سیاست فروش نفت به هر قیمت و افزایش سرسام آور واردات کالاهای صررفی، آنچنان آثار وخیمی بر تولید ملی باقی گذاشته است که تنها در عرض یکسال، صادرات غیر نفتی کشور ۸/۸ درصد کاهش داشته است. صادرات فرش ایران که زمانی پس از نفت از عده ترین منابع کشور بشمار میرفته تقریباً به صفر رسیده است.

ایران که زمانی صادر کننده محصولات

واردات ده برابر صادرات!

به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۸ فروردین ۶۳، گمرک جمهوری اسلامی آمار صادرات و واردات کشور در یک ماه بهمن ۶۲ را در اختیار خبرگزاری جمهوری اسلامی قرار داده است.

بنا به این گزارش، "در ماه مذکور بمیزان ۱۷۶۳/۶۰۸ تن کالا به گمرکات عمده کشور وارد و مقدار ۱/۸۳۰/۸۳۱ تن بازرگاری و مقدار ۱/۵۹۱/۳۲۶ تن - - ارزش ۱۶/۹۵۷/۶۳۰ هزار ریال از گمرکات مختلف ترخیص شده است."

همچنین گزارش مذکور حاکی است "کالاهای ترخیص شده نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۱۵/۵ درصد از نظر وزن و ۴۰/۵ درصد از لحاظ ارزش افزایش نشان میدهد."

کوتاهی، زمانی که درگیریهایی بالا گرفت آیت الله خمینی صریحاً در برابر مجلس، جانب ششوری نگهبان را گرفت و مجلس را به اطاعت از ششوری نگهبان وادار کرد.

در همان زمان حتی روزنامه های حکومتی هر روز، نامه های زیادی از روستائیان به چاپ می رساندند که در آنها، دهقانان حمایت قاطع خود را از اجرای قانونی که دست فئودالها و بزرگ زمینداران را کوتاه کند، اعلام می نمودند. در این نامه ها دهقانان خشم خود را از بازگشت فئودالها، اعتراض خود را علیه محاکمه دهقانان حق طلب در دادگاههای انقلاب و دادگستری و فریاد خود را علیه آزادی فئودالها قاطعانه بیان داشتند. در این نامه ها وضع فلاکت بار روستاهای میهن، بیعاری، فقر، بی سرباهی، بی آبی و هزاران مشکل

تقسیم اراضی وارونه!

بقیه از صفحه اول

دهقانان پس گرفته شده و به او داده می شود. زمانی، آیت الله خمینی و دیگر رهبران جمهوری اسلامی می گفتند که "بایستی به مستضعفان توجه شود" می گفتند "انقلاب را کوخ نشینان کرده اند و کاخ نشینان هیچ حقی ندارند" و می گفتند "به کشاورزان بگوئید، که مانع طرفدار سرمایه دار هستیم و نه طرفدار فئودال" ولی امروز زحمتکشان می بینند که، در همان جمهوری اسلامی، تحت رهبری آیت الله خمینی عملاً قانوناً از غارتگری سرمایه داران و فئودالها حمایت می شود.

در ماههای آخر سال ۶۲ "طرح قانون اراضی موقوفه" از تصویب مجلس ششوری اسلامی گذشت. در ماده واحده این طرح آمده است که: "از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی بفرش رسیده یا بصورتی به مالکیت درآمده باشد به رسمیت خود برمی گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است" همچنین در تبصره ۲ این قانون آمده است که: "کلیه املاک مزروعی که در اجرای قانون اجاره تبدیل به احسن و اگذاری دهات و مزارع موقوفات صوبه ۵۰/۲/۲ به زارعین صاحب نسق انتقال و بین آنان تقسیم شده با حفظ مصالح وقف، با متصرفین و زارعان صاحب نسق، با رعایت حقوق اقتصادی آنان، اجاره نامه تنظیم می شود." بدین ترتیب حکومت جمهوری اسلامی اقدام "رسمی و قانونی" برای باز پس گرفتن زمینهای دهقانان را آغاز کرده است. جمهوری اسلامی نه تنها اصلاحاتی نکرد و زمین به دهقانان نداد، بلکه حتی زمینهایی را که دهقانان در رژیم وابسته شاه مبارزه خود گرفتند، می خواهد تا حد ممکن از آنان پس بگیرد! "طرح قانون اراضی موقوفه تحت پوشش "شرع" می خواهد زمینهای روستائیان در نتیجه سالها مبارزه خود با رژیم سرسپرد شاه و ایادی او بدست آورده بودند را هم از چنگ آنان خارج کند.



دیگر این زحمتکشان میهن بازگوشده نبود. ولی رهبری جمهوری اسلامی با اطلاع کامل از این وضعیت، آگاهانه شوری نگهبان را تأیید کرد که در واقع نگهبان منافع سرمایه داران و زمینداران است.

سازمان ما از همان ماههای اول پس از پیروزی انقلاب اعلام کرد که حل مسأله ارضی از عده ترین مسائلی است که دردستور انقلاب ما قرار دارد. ما گفتیم که این مسأله بطور عده و اساسی درگروبرانداختن بزرگ مالکی و سپردن زمین به کسانی است که روی آن کار می کنند. ما بارها گفتیم که هرگونه تردید و تزلزل در این راه جز تقویت مواضع ضد انقلاب و خلع سلاح کردن انقلاب معنی دیگری ندارد. ما جدا هشدار دادیم که ادامه ناپگیری و معاشات جز تکلیف به مواضع غارتگران هیچ سرانجام دیگری نخواهد داشت.

امروز کارگران و دهقانان می بینند که نه تنها هیچ کاری در جهت خواسته های برحق شان انجام نشده، بلکه روز بروز در تنگناهای اقتصادی - اجتماعی شدیدتری قرار می گیرند. از آن زمان که آیت الله خمینی دستور متوقف ماندن بند های "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب را صادر کرد، بزرگ مالکان گام بلندی برای به کرسی نشاندن خواسته های خویش در حکومت برداشتند. در آن زمان دهقانان از طریق گوناگون صدای اعتراض خود را علیه به اجرا در نیامدن این طرح بلند کردند، ولی فریاد دهقانان بجایی نرسید.

"لایحه احیاء و واگذاری اراضی مزروعی" نیز که در سال ۶۱ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت، توسط شورای نگهبان منتخب آیت الله خمینی رد شد. پس از مدت

این طرح می گوید دهقانانی که "صاحب نسق" بوده اند، دهقانانی که چندین نسل بر روی زمین معینی کار کرده اند و طی سالیان دراز کار طاقت فرسا و مبارزه بی امان، حقی را بدست آورده اند و به این اعتبار زمینهای "بین آنان تقسیم شده"، از نظر حکومت مالکیتشان شرعی نیست و بر اساس این "قانون" خود سرانه، اعلام می کنند "اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است". تبصره های بعدی این قانون خیلی روشن، به فئودالها و زمینداران بزرگ راه نشان می دهد که چگونه می توانند، در جمهوری اسلامی و تحت قوانین آن، زمین را به نحو "شرعی" در عین حال "قانونی" از دست دهقانان خارج کنند. مثلاً تبصره ۴ این طرح می گوید: "در مواردی که جهت مورد نظرها واقف تغییر یافته باشد، بایستی به نظرواقف عمل شود". یعنی وقتی واقف (فئودال و بزرگ مالک) می گوید که نظرش عوض شده، آنگاه زمین از

بقیه در صفحه ۹

املاک بزرگ مالکان باید بین دهقانان تقسیم شود

اخباری از میهنمان

دلیل عدم حضور کارمندان در سرپرستیهای

خود، تعطیل شد. بهای بلیط اتوبوس از باختران به تهران در بازار سیاه به ۱۰۰۰ تومان رسید و کرایه مینی بوس در دست از همین

شهر به تهران به بیست هزار تومان بالغ گردید. تعداد کثیری از اهالی شهر در ارتفاعات کوهستانی اطراف باختران، از جمله در

طاق بستن چادر زدند. جو حاکم بر اغلب این شهرها حاکی از نارضایتی مردم از جنگ است.

مردم به حکومت پرخاش می کردند. همان مردمی که در روزهای اول جنگ و تا زمانیکه

که جنگ خصلت دفاع از منافع آنها و یکپارچگی میهن آنها را داشت، از هیچ ایثارگری در راه

دفع تجاوز دریغ نمی کردند، اینک دست به دلیل آنکه ادامه این جنگ خانمان سوز و

بی فرجام برخلاف منافع خود آنها و مصالح ملی است، از آن نفرت دارند.

اعتراض روستائیان فارس

به پس گرفتن زمینها

در روستاهای فارس شکایات زیادی در اعتراض به باز پس گرفتن زمینها توسط بزرگان مالکین و با حمایت نهاد های حکومتی، برای شورای عالی قضایی ارسال شده است. در این روستاها قحطی، کم آبی و مرگ و میر دامها کم کم دارد به مسائلی جدی تبدیل می شود.

نیز در سیاهچالها و فراموشخانه های رژیم پدیده ای رایج است. خبرهای رسیدن از زندانهای اوین، هواز و دیزل آباد باختران حاکیست کمیت و کیفیت غذا در این سه زندان بسیار نازل است. لاجوردی در پاسخ به اعتراض برخی از زندانیان به وضع غذا گفته است: "توقعتان زیاد است. مردم در بیرون شهید می دهند و شما انتظار پذیری از ما دارید؟" وی قبلاً نیز در پاسخ به اعتراض برخی از زندانیان نسبت به کمبود غذا گفته بود می توانید تعدادی داوطلبانه اعدام شوید تا جایز شود!

ترک شهرهای مناطق جنگی

از سوی مردم

در جریان حملات جنایتکارانه متقابل رژیمهای ایران و عراق به شهرهای دو کشور در اواخر سال ۶۲، که منجر به کشته شدن دهها تن از سکنه غیر نظامی این شهرها گردید، رژیم جنایتکار عراق تهدید به بمباران ۱۱ شهر ایران نمود. این امر باعث شد که مردم برخی از این شهرها وحشت زده خانه و کاشانه خود را رها نمایند. در ایلام و باختران اعتراضات به

اوضاع در کارخانه دخانیات پس از اعتصاب

همانگونه که قبلاً نیز اطلاع دادیم، کارگران شرکت دخانیات با مطرح کردن اضافه حقوق دست به اعتصاب زدند. در جریان اعتصاب، بایورش ارگانهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی به کارخانه، حدود ۴۰ نفر از کارگران با سابقه دستگیر و و کارگران اخراج شدند. هنگام اعتصاب از اعضای بسیج بجای کارگران استفاده شد و در نتیجه، بدلیل آشنایی با آنها با نحوه کار ماشین آلات کارخانه، تعدادی از ماشینها سوخته و از کار افتاده است. کارگران با این شرط که ساعات کار به ۸ ساعت در روز تقلیل یابد (پس از اعتصاب مدت کار را به دو شیفت ۱۲ ساعته تغییر دادند) و زندانیان آزاد گردند، به سرکار بازگشته اند. تا مدتی پس از اعتصاب نیز اطراف کارخانه توسط سپاه کنترل می شده است.

"پذیرایی" جلادان

از زندانیان سیاسی

علاوه بر وجود شکنجه های جسمی روحی در زندانهای جمهوری اسلامی، گرسنگی

عدم رسیدگی حکومت، تلفات و ضایعات سیل را چندبرابر کرد

در روزهای اول سال ۱۳۶۲ در مناطق وسیعی از کشورمان درخو رستان، یزد، خراسان و کهگیلویه و بویراحمد سیل جاری شد. در هواز پراثر بارندگی های شدید که از ۲۹ اسفند ۶۲ آغاز شده بود، مناطق مسکونی آسیب دید. خطوط مخابراتی تلفن شهری

خود سیل، بیش از همه ناشی از کمبود امکانات ایمنی است. در حالیکه می توان ابعاد فجایع طبیعی را - مثلاً با ساختن سد در مناطقی که معمولاً در معرض جاری شدن سیل هستند - به حداقل رساند، حکومت در اینگونه موارد کمترین گامی برنداشته است.

مردم زحمتکش و بخصوص روستائیان که بقدر کافی ازستم طبقاتی و محرومیت های اجتماعی رنج می برند، باید مصایب اینگونه فجایع را نیز بطور مضاعف متحمل شوند.

دچار اختلال گردید و آب آشامیدنی شهر کل آلود شد. در ماهشهر ۴ روستا در محاصره آب قرار گرفتند. همچنین در خراسان (منطقه قاین) احتشام روستائیان طعمه سیل شدند و خسارات مالی زیادی ایجاد شد.

مصایب سیل های اخیر بیش از همه دامنه روستائیان محروم میهن ما را گرفته است. ۷۰ تن از مردم زحمتکش روستاهای بهبهان در این واقعه جان خود را از دست دادند.

بالا بودن تلفات و خسارات به نسبت ابعاد

جنگ منافع چه کسانی را "تحکیم" می کند؟

بقیه از صفحه اول

فرماندهان سپاه پاسداران گفت که "یک حرکت سریع و کوبنده این امر هر چه زودتر باید صورت گیرد" و همچنین اظهار داشت: "اگر ایمن جنگ ۲۰ سال دیگر هم طول بکشد، توان مقابله با آن را داریم" این اولین بار نیست که رهبران جمهوری اسلامی قصد خود را برای ادامه جنگ حتی تا بیست سال و از آن بیشتر هم اعلام می کنند. آنان ابایی ندارند از اینکه برای ادامه جنگ، اقتصاد کشور را کاملاً ویران کنند، نفت کشور را با باقیمت‌های ارزان جهت تحصیل ارز و خرید اسلحه در بازارهای دنیا بفروشند، جوانان را دسته دسته به قتلگاه‌ها بفرستند و زندگی مردم را به سیاهی بکشند. رهبران جمهوری اسلامی تاکنون برای "پیروزی مطلق" در جنگ چندین شهروند هاروستا و هژ را ن واحد تولیدی را نابود کردند و آماده انسداد بهای به مراتب بیشتری هم بپردازند. آنان تا جایی پیش رفته‌اند که خرید اسلحه از آمریکا را واجب تر از نان شب برای مردم می شمارند و قرارداد اسارتی ۲۰ میلیارد دلاری شاه‌خائن با امپریالیسم آمریکا را می خواهند احیا کنند. رهبران جمهوری اسلامی امروز آماد دارند تا با باجهای کلانی به انحصارات غارتگر کشورهای اروپای غربی و آمریکا بدهند تا برای ادامه جنگ خانمان برانداز اسلحه تامین نمایند. رهبران جمهوری اسلامی برای توجیه این فجایع عظیم و تاراج دست و پاها و انقلاب برای مردم، به انواع دروغ و حيله متوسل می شوند. آقای رفسنجانی بعد از خاتمه جلسه شورای عالی دفاع دردی ماه از "اشرم‌نوی که در جنگ بوجود می آید" صحبت می کند و می گوید "زچهل ماه پیش که جنگ شروع شده به اندازه چهل ماه حالت تکاملی تثبیت و وضع را دارد" و "ایمن جنگ از طرف آنان (یعنی دولت عراق) فرسایشی است و از طرف ما تحکیم است". باید پرسید که این جنگ واقعا به "تحکیم" و "تثبیت" چه چیزی خدمت کرده و چه رافرسوده است؟ ایمن جنگ تنها به گسترش حضور نظامی امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست‌ها در منطقه خلیج فارس و حل تضاد های درون حکومت جمهوری اسلامی به سود راست‌گمک کرده است. این جنگ جز سود مطلق برای صهیونیست‌ها و جز خسارت و آسیب جدی برای مردم ایران و عراق و جنبش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه چیز دیگری ببار نیاورده است. البته این جنگ ویرانگر برای تجار بزرگ و غارتگران هم گامه آنها

که "استوانه" جمهوری اسلامی نامیده می شوند واقعا پریرکت بود و به تحکیم آنها در حکومت یاری اساسی کرد. مردم دیدند (و می بینند) که رهبران جمهوری اسلامی به بهانه ادامه جنگ، وعده هایی را که به مردم داده بودند، یکی پس از دیگری پس گرفتند. مردم می بینند که کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان برندگان اصلی این جنگ هستند. با هیچ تضر ویری نمی توان از مردم پنهان کرد که در طول جنگ خانمان برانداز "تجار بازار" هم جیب خود را پر کردند و زحمتکشان را به تباهی کشاندند، و هم مواضع خود را در حاکمیت "تحکیم" کردند و پایه های سیاست راست را محکم ساختند.



مردم ایران در شعار "پیروزی مطلق" و ادامه "جنگ تا ۲۰ سال دیگر" نابودی آن چیزهایی را می بینند که در طی انقلاب با خون گرمی ترین فرزندان خود و با بیکار عظیمشان بدست آوردند. جنگ فرسایشی تاکنون صدها هزار نفر از جوانان میهن ما را از آغوش خانواده‌ها ربوده است و امروز نیز جنگ چون اژدهای سیری ناپذیری برای ادامه حیات خود می خواهد صدها هزار نفر دیگر از جوانان کشور را به کام خود بکشد. مردم در سیمای

جنگ جز کشتار فرزندان و ویرانی و فقر، گران و تورم، دریدری چیز دیگری نمی بینند.

مردم دیگر امیدی برای خاتمه بخشیدن به جنگ از جانب رهبران جمهوری اسلامی ندارند. امروز قطع جنگ و استقرار صلح امر مهم و حیاتی ماست. مبارزه گسترده علیه سیاست ادامه جنگ و سردمداران آن و بسیج توده ای مردم جهت تامین صلح و وظیفه همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه است.

مردم کشورمان دیگر به این امر واقفند که رهبران جمهوری اسلامی نمی خواهند جنگ را پایان دهند. آنان بدرستی به این نتیجه می رسند که مسبب اصلی ادامه جنگ ایران و عراق رهبری جمهوری اسلامی است. به همین جهت رهبران جمهوری اسلامی با هیچ تلاشی نمی توانند حمایت مردم را از جنگ خانمان برانداز جلب کنند. امروز مبارزه برای پایان بخشیدن به جنگ در میان اقشار وسیعی از توده های مردم گسترش می یابد. مردم به اشکال گوناگون در مقابل سیاستهای جنگ طلبانه ایستادگی، و صدای اعتراض خود را بلند می کنند. شکردهای جدید جمهوری اسلامی برای بسیج مردم جهت ادامه جنگ، در مقابل امتناع مردم از رفتن به جبهه های جنگ، شکل گرفته است. مامورین رژیم به کارخانه ها، مغازه ها، ادارات روستاها و مزارع با سرنیزه یورش می برند تا جوانان را جمع کنند و رهسپار جبهه های مرگ نمایند. ولی رژیم در این تلاشهای بی سرانجام نیز ناکام می ماند. مردم دیگر نمی پذیرند که قربانی اهداف ماجراجویانه رژیم در جنگ ایران و عراق شوند. مردم آگاهانه از رفتن به میدانهای جنگ سر باز می زنند. تظاهرات مردم در شهرهای جنوب جلوه دیگری از مبارزه آنان علیه ادامه جنگ می باشد. در زفول، مسجد سلیمان و دیگر شهرهایی که مورد اصابت موشکهای صدام جنایتکار قرار گرفته اند، مردم علیه ادامه جنگ به تظاهرات دست زدند و خواستار پایان بخشیدن به جنگ

بقیه در صفحه ۷

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

در جشن سیزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان در سوئد احزاب کمونیست و سازمانهای دمکراتیک همبستگی عمیق خود را با سازمان اظهار نمودند

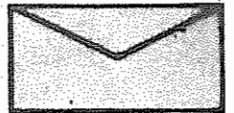
جشن سیزدهمین سالگرد پایه گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) روز جمعه ۱۴ بهمن (۳ فوریه) در خانه مردم استکهلم برگزار گردید. سازمانهای سوئد حزب کمونیست عراق، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست فلسطین، کمیته ایجاد یک فلسطین دمکراتیک و همچنین حزب کارگران کمونیست سوئد، هیئت تحریریه پرچم شفق شمال ارگان حزب کارگران کمونیست سوئد، بخشهای شمال وگوتبرگ، سازمانهای جوانان حزب کارگران کمونیست (لولو، امثو)، سازمانهای جوانان حزب چپ کمونیست (منطقه شرق وگوتبرگ)، کمیته صلح سوئد، کمیته صلح گوتنبرگ و امثو، اتحادیه مترقی ترکیه، در سوئد، اتحادیه دانشجویان عراقی در سوئد، اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا (بخش سوئد)، انجمن زنان کرد در سوئد و حزب کمونیست اروپا با ارسال پیامهایی به همین مناسبت

آغاز چهاردهمین سال زندگی پرافتخار و بالنده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) را تبریک گفتند. نمایندگان احزاب و سازمانهای شرکت کننده در این جشن با صدور قطعنامه ای توطئه تدارک "غیر قانونی" اعلام کردن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) که اعضا و هواداران آن مدتهاست تحت شدیدترین پیگرد های پلیسی قرار داشته اند و اکنون گروهی از آنها در زندانهای جمهوری اسلامی زیر شکنجه و شلاق هستند شدیداً محکوم کردند و خواستار قطع سرکوب انقلابیون و همچنین محاکمات فرمایشی شدند. در این قطعنامه توطئه "سیا" ساخته سرکوب حزب توده ایران و شکنجه و اعدام اعضا و هواداران آن قویاً محکوم گردیده است. برنامه سیاسی این جشن با خواندن پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران آغاز گشت و سپس پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران، بمناسبت سیزدهمین سال پایه گذاری سازمان

خوانده شد. این برنامه با قرائت پیامهای همبستگی احزاب و سازمانهای یاد شده به سازمان ما ادامه یافت. در بخشهای هنری این جشن، گروه رقص هواداران سازمان در سوئد رقصهای ملی خلقهای میهنمان را بنمایش گذاشتند و چند آهنگ انقلابی اجرا گردید. گروههای هنری انقلابی از کشورهای بولیوی و شیلی نیز با شرکت در این جشن و انجام برنامه های هنری مختلف همبستگی عمیق خود را با سازمان ما اعلام کردند.

رفیق انتون نیلسون که یکی از قدیمیترین و مسن ترین (۹۶ ساله) افراد ضد امپریالیست و مترقی سوئد است، در بخش پایانی جشن سخنرانی کرد و سالگرد تولد سازمان را تبریک گفتو برای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در راه مبارزاتشان آرزوی موفقیت کرد.

نامه های خوانندگان



● انگلستان: رفیق مزدک مقاله "نظری به سیستم جدید بانکی" شما به دستمان رسید. یاد آوری چند نکته درباره مقاله شما برای سایر رفقا نیز مفید است:

۱ - کوشش کنید برای ما، مقالات کوتاه تهیه کنید. مقاله ۶، ۷ صفحه ای و بیشتر بندها می تواند مورد استفاده نشریه "اکثريت" قرار گیرد.

۲ - دریک مقاله فقط یک موضوع پروراند می شود. اگر شما در روند رویدادها و بسا کنار هم گذاشتن پدیده های مختلف در جامعه به یک نتیجه گیری رسیدید، باید در مقاله خود آن نتیجه گیری را بیان کنید و فاکتهایی که در مقاله می آورید، در جهت توضیح نتیجه گیری بدست آمده باشد بر همین اساس باید از آوردن فاکتهای دیگر حتی اگر خیلی مهم و جالب باشند ولی رابطه تنگاتنگی با نتیجه گیری و موضوع مقاله نداشته باشند، خودداری کرد. بعنوان مثال آوردن فاکتهایی نظیر گفتگوی آیت الله خمینی با عسکر اولادی در مورد انتخابات و یا صاحب هاشمی و زیر صنایع در مورد اینکه ۹۵٪ از صنایع ما وابسته است، با اینکه هر یک رویداد مهمی

ما در انتظار مقالات دیگر شما هستیم.

● ایتالیا: رفیق عزیز، ترجمه مقاله "شیلی" رسید. از اینگونه مطالب بازم برای ما بفرستید. پاکستان: رفیق پ - ترجمه های شما رسید.

● از هند وستان: رفیق بابک برای ما مقاله و رفیق مزدک چند شعر و دو ست دیگری که اسم خود در آن نوشته است چند طرح برای ما فرستاده اند. از مطالب رسیده استفاده خواهد شد.

● آمریکا: رفیق ا. مقاله تئوریک "بررسی اجمالی" شما رسید کوشش کنید برای ما مقالات سیاسی کوتاه بفرستید.

● از فرانسه: ترجمه های زیادی بدستمان رسیده است که تلاشهای رفقا ستودنی است. از رفقای خواهم ترجمه از منابع معتبر را سریعتر برای ما بفرستند. ما منتظر ترجمه مقالات مربوط به ایران از نشریات دیگر نیستیم.

● از اسپانیا: اشعار "نوید" و "آئینه بهروزی" و قصه کوتاه "محاکه" و چند طرح بدستمان رسید. در انتظار آثار دیگری از رفقا هستیم.

● دو ست عزیز خسرو، مقاله شما رسید. کوشش کنید با دقت بیشتری مقاله بنویسید.

● زمونیه فرانسه، چند ترجمه یک مقاله بدستمان رسید.

هستند، ولی به موضوع مقاله شما ارتباط کمی دارد.

۳ - دریک مقاله هیچ لزومی ندارد، همه مسایل جامعه ما مورد بررسی قرار گیرد. در مقاله ای که به بررسی "سیستم جدید بانکی" اختصاص دارد باید در مقدمه، متن و نتیجه گیری

مقاله هم همین موضوع را مورد توجه قرار داد، به همین علت آوردن سیر انقلاب و روند پایمال کردن دستاوردهای آن توسط رهبران ج ۱۰۱۰ در مقدمه هر مقاله ای به توضیح موضوع آن مقاله

کلی نمی کند. وظیفه ما افشا نمودن چرخش پراست رژیم ج ۱۰۱۰ می باشد که بررسی کلی آن توسط سازمان انجام یافته است.

۴ - در تنظیم داده های تحقیق برای بررسی خود دریک مقاله باید بدون صغری و کبری چیدن زیاد "فاکتی" نقل شود که مقاله را جهت می دهد، یعنی نکته مهمی که مشاهده شدین و یا خواندن آن انگیزه بررسی پدیده هایی در چارچوب یک موضوع ویژه قرار گرفته است، در سطور آغازین مقاله آورده شود.

۵ - در نوشتن مقاله خود از آخرین اخبار و رویدادها استفاده کنید و سریع به نشریه "اکثريت" بفرستید. واضح است مقاله ای که وقایع خیلی دور به امروز را مورد بررسی قرار دهد کمتر ارزش خبری سیاسی دارد تا مقاله ای که مسایل روز در آن مورد توجه قرار می گیرد.

۹ سال از شهادت رفیق بیژن جزنی و هم‌زمان گذشت



شخصیت جزنی از یک رهبر جنبش دانشجویی به رهبر جنبش فدائیان خلق تکامل یافت. جزنی که یک بار در سال ۴۴ و بار دوم در دی ماه ۴۶ دستگیر شد، زندان را به دانشگاه عناصر مبارز تبدیل کرد. رفیق فرخ نگهدار قدیمی ترین هم‌زم جزنی درباره او می‌گوید:

" (هم‌زمان بیژن) در جریان سالها زندگی با او به این نتیجه قطعی دست یافته بودید که رفیق از هر تئوری علمی و از اصول مارکسیستی که بدان آگاهی می‌یابد، دفاع می‌کند و تحت تاثیر شرایط و موقعیت‌های خاصی که پدید می‌آید، اصلیت و وجدان علمی و مارکسیسم - لنینسیم را فدای بهره‌گیری از موقعیت نخواهد کرد."

دفاع پیگیر بیژن از آموزش‌دهانه لنین در باره موقعیت انقلابی و مبارزه او با انحرافات چپ‌روانه در صفوف جنبش، احتراز او از در غلتیدن به دام تبلیغات ضد شوروی، موضع او در قبال حزب توده ایران نسبت به سایر هم‌زمان خود و بالاخره ارزیابی جزنی از دستگاه

۳۰ فروردین سالگرد واقعه ترور جنایتکارانه و ناچو انعدمانه فدائیان خلق، شهدا بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، سعید کلاشتری، عزیز سردی، احمد افشار و محمد چوپانزاده و مجاهدین خلق، شهید اکاظم ذوالانور و مصطفی جوان خوشدل بدست درخیمان ساواک است.

روزنامه‌های ساواک زده آن زمان، متن دروغی را منتشر کردند که براساس آن، "زندانی در حال فرار کشته شده بودند". همان روزها، آنهایی که رفیق بیژن جزنی و همراهان او را می‌شناختند، فهمیدند که ادعاهای رژیم دروغ‌ریزانانه‌ای بیش نیست و ساواک این شهید را وحشیانه ترور کرده است. عاقبت نیز از این جنایت در پرده ابهام باقی نماند و تهرانی‌ها شکرچه گرساواک، در دادگاه چگونگی اجرای این جنایت‌تکان‌دهنده را تشریح کرد. مردم جزئیات و حشیک‌گره‌هایی را که در این انجام می‌گرفت، دیدند و شنیدند.

روحانیت شیعه، ژرف اندیشی و تیز بینی سیاسی او را نشان می‌دهد.

رفیق بیژن جزنی برای همه فدائیان خلق و همه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نمونه تسلیم‌ناپذیری و سرمشق فداکاری و جانبازی در راه خلق است.

سی ام فروردین، همچنین روزی است که در آن خون فدایی و مجاهد در زم مشترک علیه دشمنان خلق درهم آمیخت. رژیم شاه با سه شهادت رساندن ۷ فدایی و ۲ مجاهد، نشان داد که از این فرزندان دلیر خلق سخت بیمناک است.

در نهمین سالگرد شهادت رفیق جزنی و هم‌زمان او، یاد آنها را با تجدید عهد در ادامه راهشان، گرامی می‌داریم.

۹ زندانی در حال فرار کشته شدند

امروز قطعات انتظامی اعلام کرده‌اند چنانچه زندانیانی که قصد فرار داشتند کشته شدند.

طبق اطلاع مقامات مزبور تعدادی از زندانیان ماجراجو در داخل زندان مبارت‌تجریک سایر زندانیان نبودند. مقامات زندان تصمیم گرفتند آنها را به زندان دیگری منتقل نمایند.

متنگی که اتوبوس حامل زندانیان مورد پشیمانی‌نقل آنان به زندان دیگر در حرکت بوده زندانیان ضمن حمله به مأمورین مستقر در اتوبوس زندانیان به خروج کردن توفیر از آنان موفق می‌گردند. از اتوبوس خارج و می‌آید و فرار می‌کنند که در این موقع مأمورین مستقر در اتوبوس متعاقب اتوبوس می‌شوند.

۱ - محمد چوپان زاده ۲ - احمد جلیل افشار ۳ - عزیز سردی ۴ - بیژن جزنی ۵ - حسن ضیاء ظریفی ۶ - کاظم ذوالانور ۷ - مصطفی جوان خوشدل ۸ - مشوق کلاشتری ۹ - عباس سورکی

بدون تردید شخصیت انقلابی رفیق بیژن جزنی در میان مبارزانی که به دست رژیم شاه شهید شدند، از درخشندگی و برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. رفیق جزنی کسه فعالیت سیاسی را در سال ۱۳۲۸ در صفوف سازمان جوانان توده ایران آغاز کرد، از معدود مبارزانی بود که با رقه‌ای از تجارب جنبش ضد امپریالیستی سالهای ۲۰ تا ۳۲ و نیز تجارب انقلابی جنبش طبقه کارگر در این دوره رابه نسل نوین انقلاب بیون چپ که در دهه جهل پیش از پیش به عرصه مبارزه علیه دیکتاتوری شاه گام می‌نهادند، منتقل کردند. با توجه به جو عمومی که در آن زمان در صفوف گروه‌های مبارز حاکم بود، شهید جزنی در تئوری و سیاست، پیشگام هم‌زمان خود بود.

و شخص آیت‌الله خمینی مسئولیت اصلی این ویرانگری همه جانبه را، بعهده دارند و خود برعهده گرفته‌اند. مردم ما باز هم روشنتر باید بدانند که نیروی صلح خودشان و سازمانهای انقلابی و میهن پرست مدافع آنها هستند آنچه حکومت می‌خواهد، فقط و فقط ادامه جنگ است. مردم ما بیش از پیش پیوستگی سیاست ادامه جنگ و سیاست ضدیت با منافع خود را باز می‌شناسند و در راه آشکار کردن هر چه بیشتر و گسترده تر مبارزه خود پیشمی‌روند.

ادامه جنگ و سردمداران آن و بسج تودمهای مردم جهت تامین صلح و وظیفه همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه است.

سیاست ادامه جنگ، کسانی را که از این جنگ سود می‌برند، سردمداران حکومت کفایت جنگ را می‌خواهند به قیمت ادامه دهند و نقش و مسئولیت رهبری جمهوری اسلامی در افروختن و افروخته ماندن این شعله ویرانگر را باید هر چه وسیعتر برای مردم توضیح بدیم مردم باید بدانند که رهبری جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۵

جنگ

شدند. دستگیریهایی مأمورین سرکوب نیز نتوانسته است صدای اعتراض آنان را خاموش سازد.

مردم دیگر آمیدی برای خاتمه بخشیدن به جنگ از جانب رهبران جمهوری اسلامی ندارند.

امروز قطع جنگ و استقرار صلح امر مهم و حیاتی ماست. مبارزه گسترده علیه سیاست

پیش بسوی تشکیل جبهه متحد خلق



"دیوسپید" در خوان هفتم است!

روایت فردوسی را دربار هفت خوان "ی که رستم از آن می گذرد، احتمالاً شنیده و یا خوانده اید. اکنون هفت خوان "حکومت برای کاندیداهای انتخابات به روایت مدیرکل انتخابات کشور رادر جراید روز ۵ فروردین بخوانید. مصطفی تهرانی می گوید: "این تعداد (ثبت نام کنندگان برای نمایندگی دومین دوره انتخابات مجلس) به ۱۱۰۰ نفر رسیده است. ۵۰۰ اسامی ثبت نام کنندگان پس از بررسی در پنج مرجع ذیصلاح و کنترل جهت تأیید نهایی به شورای نگهبان ارجاع می شود." ۵ مرجع کنترل بعلاوه شورای نگهبان (به قول یکی از اعضای آن، دالان بهشت) می شود شش خوان. اگر سخنان رهبران ج ۱۰۱۰ را بیاد بیاوریم کعبه گفته اند، "اگر خدای ناکرده افراد نابایی به مجلس راه پیدا کنند، اعتبارنامه آنها تصویب نمی شود." "دیوسپیدی" بنام "تصویب اعتبارنامه" در خوان هفتم ایستاده است. نتیجه گذشتن کاندیداهای هفت خوان مشخص است. کاندیداهایی که از این هفت خوان بگذرند و به هفت آب شسته شوند، نمایندگانه مجلس می شوند که با بازار و شورای نگهبان برخوردان یغما می تشینند و هیچ بگو-مگویی در بین آنان نخواهد بود.

"کجاند حال ماسبکباران ساحل ها"

داستان "بشاگرد" حتماً در یادها باقیست، که دو سال قبل آقای رفسنجانسی می گفت، مردم آنجا بحدی فقیر هستند که فرزندان آنها در صحرا به چرای علف می روند و اعتراض می کرد که چرا کسانی که شکایت مالکین و سرمایه داران را گوش می کنند از چربیدن بشاگردیها "غافلند". آقای اردبیلی هم سال قبل می گفت: "فردا دی راست امروز باید کاری کرد." البته امروز دیگر دعوای دیروز پایان یافته و اکنون تنها "کسانی" نیستند که خواسته های سرمایه داران و مالکین را جامه عمل می پوشانند بلکه رژیم ج ۱۰ کمر خدمت به یازار ملاکین رابسته است.

بشاگردیها امروز نه تنها از فرط گرسنگی در صحرا علف می چرند، بلکه به بیماری جنم نیز مبتلا شده اند. موسوی اردبیلی روز ۵ فروردین در ضمن دیدار از رهبران و شرکت در مراسم صبحگاهی در ناوگان خلیج فارس سری هم به بشاگرد زده است.

"رئیس دیوان عالی کشور پس از حضور در جمع اهالی ضمن گفتگو و آشناسدن با مسایل و مشکلات متحد آنها بویژه بیماری خانمانسوز جذام که در اثر نبودن امکانات اولیه بهداشتی، در حدود ۲۰۰۰ نفر دچار این بیماری می باشند، رهنمودهایی ارائه داد. ۵۰۰ وی همچنین در زمینه ساختن مسجد در این مناطق که جزو خواسته های اولیه اهالی می باشد، رهنمودها می به مسئولین ارائه داد." (کیهان ۷ فروردین)

برای مساختن مسجد برای رعایت و احترام به اعتقادات مردم مسالهای ایجاد کرده است. واضح است اولین خواسته اهالی بخشی کسه از فقر و نداری و گرسنگی علف می چرند و ۲۰۰۰ نفر از آنها مبتلا به بیماری جذام شده باشند، دکتر است تا معالجه شوند، زمین است تا پرووی آن کارکنند و گرسنه نمانند. هیات حاکمه کسه نمی خواهد کاری برای مردم کند، چینی س شاید آنه از اعتقادات مذهبی مردم سوء استفاده می کنند.

"سوراخ دعا را گم کردن" ج ۱۰ در مورد بشاگردیها، شعر عطار را بیاد می آورد که می گوید: آن شنیدم که رفت نادانی بعیادت به درد دندانسی گفت باد است زین میباش غمغین گفت آری ولی بنزد تو ایسن برمن این درد کوه فولاد است چون تو ز آن فارغی تو را یاد است

سدسازی آقای استاندار

مهندس طاهری استاندار تهران می گوید: "من از همروستائیان و ساکنین شهرهای کوچک تقاضا دارم که گول ظاهر فریبنده شهر تهران را نخورند. قبل از مهاجرت به مشکلات عدیده مهاجرین در زمینه تهیه دفترچه بسیج اقتصادی، مسکن، آب، ذهاب، شغل و غیره در شهر تهران بپند بندند." روستائیان محروم کشور ما در میان گازانچق قرار گرفته و استخوانهایشان، خرد می شوند کمیک شاخه آنرا ملاکین و هیات حاکمه طرفدار آن در روستا و شاخه دیگر را کارگزاران حکومت ج ۱۰ نظیر استاندار تهران در شهرهای فشارند.

استاندار تهران همانند حکام ج ۱۰ مبارزه با محرومان را خیلی خوب آموخته و قاطعانه بکاری برد می گوید: "با برقرار ی محد و دیت برای مهاجرین سد دیگری در برابر آنان ایجاد خواهیم کرد." ندادن دفترچه بسیج اقتصادی به مهاجرین (چه جنگی و چه روستایی)، جلوگیری از خانه سازی محرومان و ایجاد گشتهای ویژه برای این کار از جمله سدسازی های دیگر آقاسی استاندار برای زحمتکشان است. البته هزار

استاندار جمهوری اسلامی انتظار رسدسازی در مقابل سیلاب و آب برای کشاورزی در روستاها نمی رود. بقول: "از تنور سرد نان داغ بیرون نیاید!"

وعده سرخرمن

"سفیر فلسطین درج ۱۰۱۰ امروز بسا وزیر کار و امور اجتماعی دیدار کرد. در ایسن دیدار ضمن بحث و تبادل نظر در رابطه با مسایل مورد علاقه دو کشور، سفیر فلسطین خواستار برقراری ارتباط بین اتحادیه کارگری فلسطینی و ایرانی شد. وزیر کار و امور اجتماعی ضمن اشاره به جنگ تحمیلی گفت: جنگ در حال حاضر مساله اصلی ماست و ما امید داریم زمینه های همکاری بیشتر دولت فراهم و قدس از طریق کریلا آزاد شود." (راد پیچ ۱۰۱۰ فروردین)

از درازی وعده و امید فرسوده شود شیر را چنگال و دندان پیل را

"مردم" صاحب معدن می شوند!

اخیراً در جمهوری اسلامی قرار شده است "مردم" معدن داشته باشند. وزیر معادن و فلزات در مصاحبه با خبرنگاری ج ۱۰ در رابطه با چگونگی جذب سرمایه های راکد و تشویق مردم (۱۱) به سرمایه گذاری در معادن گفت: "انشاء الله وزارت معادن و فلزات نیز همه گونه تسهیلات لازم را فراهم خواهد کرد تا سرمایه های راکد طبق مقررات و ضوابط قانونی ۵۰۰ بسیج شده و در این جهت حرکت کنند."

می دانیم که در فرهنگ جمهوری اسلامی هر مقوله و واژه ای تعریف خاص خود را دارد. در اینجا منظور ج ۱۰ از "مردم" کسانی است که سرمایه های چند میلیون تومانی دارند و می توانند معادن و کارخانه های بزرگ "ملسی" شده را از دولت خریداری کنند و از "عذاب وجدان" جمهوری اسلامی در ریشگساه سرمایه داران بزرگ و انحصارات بین المللی بکاهند.

بدون شرح

"... فرمانده منطقه یکم دریایی ناوگان خلیج فارس ۵۰۰ با حجت الاسلام احمدی نماینده امام و امام جمعه بندرعباس دیدار کرد. ۵۰۰ حجت الاسلام احمدی در این دیدار با اشاره به اهمیت استراتژیک خلیج فارس و تنگ هرمز در تامین بخش عده ای از نفیست دنیای صنعتی غرب، از تلاش برای وقفه پرسنل نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایسبران برای برقراری امنیت در این منطقه تشکر و قدردانی کرد." (کیهان ۵ فروردین)

فراریان افغانی . . .

بقیه از صفحه اول

افغانستان را رد کرده و به تبلیغات و اقدامات زهرآگین خود علیه دولت و خلق افغانستان ادامه می دهند. جمهوری اسلامی که در سطح منطقه حلقه اتحاد خود را با کشورهای ارتجاعی تنگ تر می کند، آمادگی هرچه بیشتری جهت مقابله و تجاوز علیه جنبش های مترقی منطقه بسط نمایش می گذارد. اکنون رهبران جمهوری اسلامی برای رضایت خاطر و جلب اعتماد امپریالیست ها حاضر به مداخله هرچه بیشتر در امور افغانستان هستند.

موضع خصمانه رژیم ایران

همه می دانند که رژیم ایران همواره موضع گیری خصمانه ای در مقابل انقلاب افغانستان اتخاذ کرده است. حکام ایران بعد از سقوط رژیم پهلوی دولت افغانستان را "بی خدا" خواندند و از برسمیت شناختن دیپلماتیک این کشور امتناع ورزیدند. آنها علاقه و محبت و افزای نسبت به ضد انقلابیون یا این باصطلاح "مجاهدین مسلمان" ابراز نمودند.

مهاجرین افغانی که تعداد آنها به یک میلیون نفر می رسد، در ایران بعنوان گروه های مقاومت شیعه بسیج می شوند، تعلیمات نظامی می بینند و جهت اجرای عملیات ضد انقلابی از طریق مرز به افغانستان گسیل می شوند. در کنگره ها و مجامع بین المللی جمهوری اسلامی همسو با سیاست مخرب امپریالیسم از ضد انقلابیون افغانی پشتیبانی بعمل آورده و نمایندگان ضد انقلابیون مسلح را که در پاکستان حضور دارند در هیات های خود جامی دهد. چهار سال پیش یعنی زمانی که رهبران جمهوری اسلامی

در مواضع ضد امپریالیستی خود اصرار و ابرام می ورزیدند، به گروه های ضد انقلابی افغانی هشدار می دادند هیچ گونه پشتیبانی و کمک را از غرب قبول نکنند: "اگر برای آزادی از اسارت شوروی به آمریکا متوسل شوید، هدف غارتگرانه آمریکا تامين می شود" (راديو ايران ۲۰/۸/۸۱) در سال ۱۳۵۹ جریان راستگرای ضد انقلابی "جمعیت اسلامی" که از طریق پاکستان بر علیه افغانستان اقدام می کرد، بوسیله آیت الله خمینی ممنوعه اعلام گردید. اتهامات این جمعیت، قاچاق هروئین به مقادیر زیاد، تعاس های تنگ تنگ با سازمان سیا، همکاری با گروه های طرفدار امپریالیسم که قصد براندازی دولت ایران داشتند، بود. اما اکنون با گرایش بر است جمهوری اسلامی ایران و گسترش روند نزدیکی به امپریالیسم صدای این اعتراضات نیز خاموش گردید و جمهوری اسلامی به فعالیت های ضد انقلابی خود علیه افغانستان که تا حد "از شرافغانستان رها شدن" ارتقاء یافته است، ادامه عمل می پوشاند.

فراریان افغانی ابزار سرکوب

و جنگ افروزی رژیم ایران

فراریان سابق افغانی اکنون اساساً جهت تحقق اهداف ارتجاعی جمهوری اسلامی در زمینه های داخلی و خارجی بکار گرفته می شوند. رژیم در مبارزه بر علیه مبارزان فعال در کردستان از افغانیان فراری تحت نام "ارتش ناشناخته" استفاده می کند. بخش اعظم "ارتش شهیدان" که در درگیری های اخیر در کردستان شرکت داشتند از افغانی ها تشکیل می شوند و این امر نیز منطقی است زیرا این افغانیان از لحاظ مبارزه در مناطق کوهستانی از تجربیات خاصی برخوردار هستند.

حتی روزنامه های کشورهای سرمایه داری که ساز مقطع چرخش بر است جمهوری اسلامی انعطاف پذیری از خود در مقابل رژیم ایران بخرج می دهند، مجبور به انتشار این واقعیات دردناک گشته اند. روزنامه "فرانکفورتر آلگه ماینه تسایونگ" بلند گوی انحصارات آلمان قدرال در شماره ۱۶ ژوئن سال ۸۳ خود قدیم می کند: "افغانی های فراری نیز در جنگ ایران و عراق به اجبار به جبهه فرستاده می شوند. آزمای که اهالی ایران از جنگ خسته شده اند، برخی کمیته های پاسداران انقلاب از آن جمله در مشهد و شیراز افراد افغانی را که از نظر سنی توانایی جنگیدن را دارند، به خدمت می گیرند." تاخیر داد ۱۳۶۲ تقریباً ۴۰۰ سرباز افغانی کشته یا ناپدید گشته اند. روزنامه آلمانی "زودد و یچه تسایونگ" در ۲۴ ژانویه ۸۴ اشاره می کند: "افغانی های فراری را در مقابل این انتخاب قرار می دهند، به جنگ رفتن و مبارزه کردن یا اخراج شدن از ایران." در همین رابطه مرزبانان پاکستانی گزارش می دهند در سامبر ۱۹۸۳ حدود ۴۰۰۰ نفر افغانی به پاکستان رانده شده اند. حزب دمکراتیک خلق افغانستان عمیقاً متاثر است، که گفتگو های صلح ایسران و افغانستان تحت نظارت سازمان ملل متحد انجام نگرفت و جنگ اعلام نشده علیه افغانستان از خاک ایران هدایت می شود. این تدابیر ارتجاعی سمت و سوی سیاست گستاخانه جمهوری اسلامی را در مقابل دولت افغانستان نشان می دهد. اما انقلاب افغانستان همچنان در جهت استحکام و پیشرفت خطوط اصلی خود به پیش می تازد و خیالی پس خام است، اگر تصور شود که این انقلاب پیروز می شود و ای ربه همین راحتی می توان در هم شکست. باید از رسوایی تجاوزگران امپریالیستی و ارتجاعی در افکار عمومی جهان پند گرفت.

توضیح و پوزش

باپوزش از خوانندگان گرامی، در شماره ۱ "اکثريت" چند اشتباه چاپی پیش آمده است:

۱- در صفحه ۷ در خبر مربوط به اعتصاب غذا در فرانسه، دو سطر نخست اضافی است و یک سطر نیز جا افتاده است. پارگراف اول بدین صورت درست است:

"بر اساس اخبار منتشره در روزنامه های "دپش" و "ژورا" چاپ فرانسه، پناهندگان سیاسی ترك و کرد اسکان داده شده در شهر "دل" فرانسه برای حمایت از اعتصاب غذای زندانیان ترك و کرد در زندان های دیاریکس، آنکارا و الازیت ترکیه و اعتراض به مرگ ۱۱ تن از این زندانیان، دست به یک اعتصاب غذای سه روزه (از ۹ تا ۱۲ مارس) زدند."

۲- تاریخ انتشار نشریه که در صفحه اول "جمعه ۵ اسفند ۱۳۶۲ برابر ۲۴ فوریه ۱۹۸۴" آمده است، "جمعه ۱۷ فروردین ۱۳۶۳ برابر ۱۶ آوریل ۱۹۸۴" درست است.

تقسیم اراضی وارونه!

بقیه از صفحه ۳

اما رهبری جمهوری اسلامی راهی را در پیش گرفت که جز به افلاس هرچه بیشتر روستائیان، جز به ورشکستگی هرچه بیشتر اقتصاد کشاورزی، جز به مهاجرت هرچه بیشتر روستائیان به شهرها، جز به افزایش واردات کالاهای گوناگون و ریزی از کشورهای امپریالیستی و... به چیز دیگری منجر نشد. امروز طبق گفته خود مقامات حکومتی، تنها واردات کنندم در سال گذشته حدود ۳ برابر نسبت به سال قبل از آن افزایش پیدا کرده است.

امروز رهبران و مقامات جمهوری اسلامی، دیگر "راه حل" دستیابی به خودکفایی در عرضه مواد غذایی را نه در گرو افزایش تولید داخلی، نه در حمایت از زحمتکشان روستا، بلکه در این می بینند که از کامیون داران محترم

تقاضا کنند تا جهت حمل گندم های خریداری شده از کشورهای امپریالیستی به تهران، بطرف بنادر ایران بشتابند. رهبران جمهوری اسلامی سرانجام به این نتیجه رسیدند که نیازی به جهاد تقسیم اراضی نیست، نیازی به جهاد بسرای رفیع محرومیت دهقانان نیست، نیازی به جهاد خودکفایی نیست. اینهمه را آنها با "جهاد تخلیه کالا" حل کردند. "جهاد تخلیه کالا" و "استراتژی کامیون" آقایان هیچ چیز تازه ای نیست. این همان سیاستی است که در ادامه خود به گسترش وابستگی به انحصارات امپریالیستی می انجامد و قبلاً بشکل کامل آن، توسط رژیم سرسپرد شاه دنبال می شد. زحمتکشان روستا، این سیاست را محکوم می کنند. آنان به بازگشت فئودالها تمکین نخواهند کرد. آنان حاضر نخواهند شد وضعیت را تحمل کنند که یکبار برای تغییر آن انقلاب کردند. آنها با سردمداران این سیاست ضد مردمی مبارزه می کنند.

کارنامه حکومت ژنرالها در ترکیه

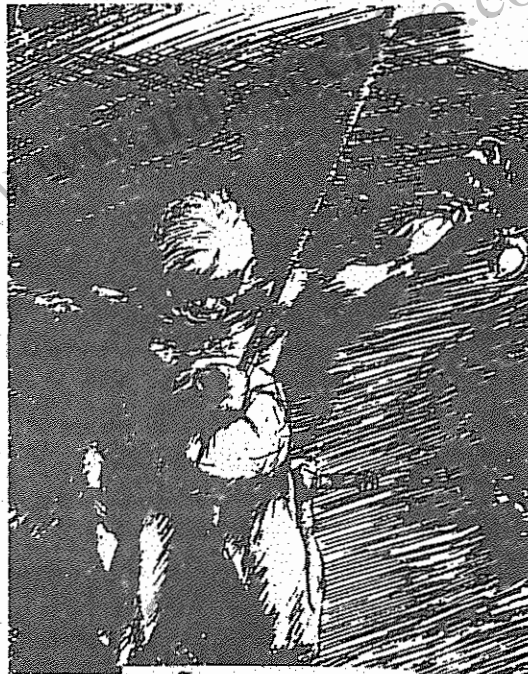
متعهد و انقلابی مورد غضب قرار گرفتند. تنها اینک دانشگاه در شهر آنکارا ۱۷۷ نفر از استادان را وادار به استعفاء کرد. اکنون سطح آموزش علمی دانشگاهها فوق العاده تنزل یافته است و جای استادان متعهد و مترقی را عناصر مرتجع و چاپلوس گرفته اند. معلمین نیز از بیورش کودتا چنان بی بهره نبودند. تعداد معلمین که بعد از کودتا و انحلال سازمان صنفی معلمین (TUBDER) مجبور به استعفاء از مراکز آموزشی شدند به بیش از ده هزار نفر رسید. فشار بر خلق کرد در حکومت ژنرالها افزایش یافت. مردم کردستان ترکیه که حتی از حقوق تکلم به زبان مادری محرومند مورد تهاجم نظامیان قرار گرفتند. هزاران نفر از مبارزان کرد بخصوص اعضای سازمان "در راه آزادی" (آزادالیق یولو) بازداشت و به حبسهای طولیل مدت محکوم شدند.

ترکیه، پایگاه نظامی آمریکا

ترکیه در بین کشورهای ناتواز موقعیت بی نظیر استراتژیک در نقشه های نظامی ناتو برخوردار است. ترکیه دارای مرز طولانی با اتحاد شوروی و بلغارستان است و نقش سنگین مقدم امپریالیسم را، در برابر برهمنان قفقاز اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی شبه جزیره بالکان دارد و نیز پایگاه بزرگ امپریالیسم علیه خاور میانه و بخصوص منطقه خلیج فارس است. آمریکا تاکنون برای گسترش پایگاههای خود در ترکیه سرمایه گذاری زیادی کرده است. ژنرالهای ترکیه بعد از کودتا، قرارداد های جدید نظامی با آمریکا بستند که ترکیه را هر چه بیشتر به آلت دست پنتاگون تبدیل کرده است. بعد از دیدار کاسبارو این بزرگ و زبرد فاع آمریکا از ترکیه در سال ۱۹۸۱، بیامانی منعقد که برای طرحهای جدید سیا و پنتاگون زمینه های مساعدی بوجود آورد. نزدیک به پانزده پایگاه آمریکا در ترکیه باز سازی شد و به سیستم های مدرن جهت استفاده هواپیماهای آمریکا مجهز گردید و بعلاوه در بخش خاوری کشور، نزدیک مرزهای ایران ساختمان پایگاه جدیدی شروع شد. هم اکنون ۶۰ پایگاه نظامی که شامل هفت پایگاه بزرگ می باشد در ترکیه ساخته شده است. این پایگاهها وسیعا مورد استفاده نیروهای واکشن سریع "قراری گیر" در این مدت عبده هزار نفر رسید که از نظر تعداد مقام دوم را پس از نیروهای آمریکا در میان کشورهای ناتو داراست. در این سه سال فعالیت های جاسوسی علیه کشورهای سوسیالیستی از خاک ترکیه مقیاس وسیعتر پیدا کرده است. استفاده از چهار دستگاه کنترل مخابراتی فوق العاده مجهز برای بقیه در صفحه ۱۱

در سایه هچالهای ارتجاع بر سر می برند. در این مدت دهها هزار تن از زندانیان در بیدادگاهها نظامی محاکمه و به زندانهای سنگینی محکوم شدند. شکنجه جسمی و روحی بطور سیستماتیک، در مورد زندانیان اعمال شده است. در سال گذشته از جانب سازمان صنفی بین المللی، لیستی تحویل ژنرالها شد که نشان می داد ۶۰ نفر زیر شکنجه بشهادت رسیدند و زیر شکنجه ژنرالها بی شرمانه ۱۵ مورد راثائید و بسیاری بقیه دلایل مضحک از جمله خودکشی و بیگماری را به میان آورد.

ژنرالها کلیه نشريات مترقی را تعطیل و نویسندگان و گردانندگان آنها را دستگیر کرده و اموال آنها را مصادره نمودند. کودتاچیان قانونی را تصویب کردند که آزادی مطبوعات و آزادی بیان را از مردم سلب نمود. مطابق این قانون دادگاه های مخصوص مطبوعات منحل و دعاوی به دادگاههای اجرایی محول شد و دولت حق مصادره چاپخانه و اموال مخالفین را بدست آورد. روزنامه نگاران و نویسندگان



"شکنجه" طرح از سیابند آارات اسیر در زندان دیار بکر ترکیه

خلق بازداشت و کانون نویسندگان و شاعران تعطیل و کمیته و هیات اجرایی آن تحت بازجویی قرار گرفتند.

ژنرالها دانشگاهها را نیز مورد هجوم قرار دادند. آنان با تصویب قانون "یوک" ضربات سنگینی برداشتند و شالوده علمی جامعه وارد آوردند. با اجرای این قانون تصفیه وسیعی در سطح دانشگاهها و مراکز آموزشی عالی صورت گرفت. استادان و پرفسورهای

رژیم ژنرالهای ترکیه درد نیا بعنوان یکی از شناخته شده ترین دشمنان آزادی و عدالت اجتماعی و استقلال ملی رسوا شده است. اما این رسوایی البته مانع از آن نیست که حکومت ترکیه دوستان بسیار "وفاداری" علاوه بر کشورهای امپریالیستی داشته باشد. امروز در منطقه خاور نزدیک و میانه زمینهای اسرائیل، عراق، عربستان سعودی، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران از دوستان نزدیک و پروپاقرص حکام ترکیه هستند. در این میان جمهوری اسلامی وضع ویژه ای دارد. ایران به بزرگترین واردکننده کالاهای ترکیه تبدیل شده است. حکومت ایران یک دست را در دست پاکستان و دست دیگر را بدست ترکیه (عضو سرشناس ناتو) داده و این همه را نیز زیر علم "نه شرقی، نه غربی" پیش می برد!

سرکوب فاشیستی

نیروهای ملی و انقلابی

در سال ۱۹۸۰ ژنرالهای دست نشانده ترکیه به دستور امپریالیسم آمریکا قدرت سیاسی را به دست گرفتند. امپریالیسم در شرایطی به استفاده از سلاح کودتا متوسل شد که موجسی از اعتصابات کارگری تمام صنایع بزرگ و کوچک ترکیه را فلج کرده بود. در همین زمان مبارزات خلق کرد برای کسب خودمختاری شدت یافته بود. جنبش انقلابی و بخصوص حزب کمونیست ترکیه در میان مردم بویژه کارگران اعتبار و حیثیت قابل ملاحظه ای کسب کرده و توده های زحمتکش در سازمانهای صنفی و سیاسی متشکل بودند. جنبش انقلابی آنچنان اوجی گرفته بود که می رفت بساط حکومت وابسته امپریالیسم را برچیند.

ژنرالها دارا ولین گام، کلیه سازمانهای سیاسی مترقی، انجمنها و تشکلهای صنفی و توده های رامنحل اعلام کردند. "اتحادیه سندیکا های انقلابی" (دیسک DISK) با عضویت بیش از ۶۰ هزار کارگر که جسم اراده پولادین طبقه کارگر ترکیه بود، به همان سرنوشت دچار شد. سازمان همبستگی معلمان ترکیه (توبدر TUBDER) با عضویت بیش از ۴۰ هزار معلم، شرکت تعاونی و همبستگی روستائیان (کوی کوب) با عضویت بیش از ۳ میلیون دهقان، سازمان جوانان پیشرو (ایگد IGD) سازمان دمکراتیک زنان (ایکو IKO) و انجمن صلح و صدها انجمن و تشکل تودمائی نیز منحل اعلام شدند.

اعضای سازمانهای مترقی سیاسی تحت پیگرد قرار گرفته و پس از بازداشت بوجه شدیدی شکنجه می شوند. بنابه گزارش حزب کمونیست ترکیه پس از کودتا در مجموع بیش از ۲۰ هزار نفر دستگیر شدند و هم اکنون حدود ۵۰ هزار نفر

بمناسبت دهمین سالگرد انقلاب پرتغال نگاهی به انقلاب پرتغال

ده سال پیش در روز ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ با به حرکت درآوردن بخشی از واحدهای ارتش پرتغال بساط یکی دیگر از منفورترین رژیمهای فاشیستی برچیده شد.

در سال ۱۹۳۲، با قدرت رسیدن سالازار و چهار سال پس از کودتای نظامی بر علیه نظام جمهوری، دوران فاشیسم در پرتغال آغاز گشت.

در سال ۱۹۶۸ کائتانو نخست وزیر پرتغال شد و راه همفکر خود سالازار را ادامه داد. در این دوران کوشش جهت ایجاد شفاف دراپوزیسیون و بطور عمده محروم ساختن آن از یگانه نیروی متشکل خود یعنی حزب کمونیست پرتغال با حدت و شدت تمام دنبال گشت. هدف عمده فاشیسم حاکم در این دوران ایجاد آرامش از طریق ترور و بیدادگری بود. مردم محروم پرتغال ظلم و ستم روا شده بر آنان را با گوشه نشینی و پوختن خود لمس می کردند.

بر سر این شرایط مبارزه مردم علیه رژیم پیش از پیش گسترش یافت. بسط مبارزات حسیق طلبانه مردم با مساله مستعمرات ارتباط تنگاتنگ داشت. درد و رانی که انقلابات رهایی بخش ملی لرزه برانداختند دولت های نیرومند استعمارگر انداخته بود و جز عقب نشینی و تن دادن به استقلال مستعمرات خویش راهی نداشتند، رژیم فاشیستی پرتغال واقعیت سترگ دوران ما را که استعمار محکوم به فناست، درک نمی کرد و با چنگ و دندان در صدد حفظ مستعمرات خود بود.

درگیر شدن با جنبشهای استقلال طلبانه در موزامبیک، آنگولا و گینه بیسائو، بسیج ارتش جهت سرکوب این جنبشها و بلیعه شدن قسمت عمده بودجه کشور در این راه، سرکشی و طغیان رادار ارتش دامن زد.

بدنبیان قیام ۲۵ آوریل، ژنرال اسپنیولا رئیس جمهور شد و دولت وقت بریاست داپالما کارلوش تشکیل گردید. در این دولت کمونیستها، سوسیالیستها، جنبش دمکراتیک و کاتولیکهای مرفی شرکت داشتند.

انقلاب پرتغال هرچون سایر انقلابات معاصر دستاوردهای عظیمی بهمراه داشتست انحلال سازمان امنیت، احیای دمکراسی، آزادی زندانیان سیاسی، تصفیه ارتش از عناصر فاسد، ایجاد تعاونیهای دهقانی و ملی کردن بخشی از بانکها و صنایع بزرگ نمونه هایی از آنند.

انقلاب پرتغال نیز از اقدامات توپیکه گستراننده امپریالیسم آمریکا در امان نماند و امپریالیسم جنایتکار آمریکا از طریق سیا و عامل آن، سفیر آمریکا در آن کشور و سایر نوکران داخلی و ار د

و مالی موجود در پرتغال سعی در توجیه و ابستگی روز افزون به امپریالیسم و صندوق بین المللی پول و نیز دیگر اقدامات معمول در جهت منافع کلان سرمایه داران رادارند و از این بحران بعنوان یک عامل تبلیغاتی استفاده می کنند. این سیاست ارتجاعی خطری جدی برای دمکراسی در پرتغال است. برای ذکر نمونه کافی است به گزارش مونتاپینتو به سمت وزیر دفاع نام برد که همه از همکاری او با محافل فاشیستی مطلعند.

باتوجه به همه این مسایل نتیجه انتخابات سال گذشته که در آن حزب کمونیست پرتغال به پیروزی درخشانی دست یافت و قایم پس از آن نشان داد که کشور پرتغال بسط هیج وجه محکوم به پذیرش اراده دولت های ارتجاعی و راستگرا نیست. حزب کمونیست پرتغال بر آن است که زمینه تشکیل یک حکومت دمکراتیک و پیشبرد یک سیاست دمکراتیک پیش از پیش موجود است و بدین جهت تشدید مبارزه علیه حکومت راستگرای فعلی امری ضروری است که وظیفه همه نیروهای ترقیخواه را تشکیل می دهد. حزب کمونیست پرتغال در صفوف مقدم این مبارزه است.

آموزشهای سترگترین چراغ راهنمای بشریت بقیه از صفحه ۷

پس، اپورتو نیمه در مسایل تشکیلاتی راز سر تیغ برنده انتقاد برد. او خطرات ناشی از کم بها دادن به اهمیت تشکیلات برای طبقه کارگر را خاطر نشان ساخت.

در کتاب "چه باید کرد؟" لنیسن "اگو نو میس" بعنوان یک جریان اپورتو نیستی در سوسیال دمکراسی روسیه راز نظرسر ایدئولوژیک به ورشکستگی کشاند. او ثابت نمود که اگو نو میسها مبلغ نوعی از برنشتینیسیم هستند که بعد از مارکس و انگلس با شعار آزادی انتقاد که معنایی جز وارد کردن ایدئولوژی بورژوازی به صفوف طبقه کارگر نداشت، به میدان آمدند. در این نوشته لنیسن مطابق با شرایط تاریخی ایده های مارکس و انگلس در رابطه با حزب بعنوان یک نیروی انقلابی و هدایت کننده و متشکل را بسط داد و رابطه آگاهی با حرکت های خود بخودی را در جنبش کارگری توضیح داد.

هرآنچه لنیسن به نگارش درآورد چیراغ راهنمای طبقه کارگر و زخم کشان سراسر جهان شد. آموزشهای او در تلفیق با عمل انقلابی راهگشای بر موانع پیشرفت و تکامل بشریت رانشان می دهد. مشغلی که لنیسن برافروخت، امروز در حیات شکوفا و بالنده سوسیالیسم و واقعا موجود، در نبرد سترگ کمونیستها و انقلابیون سراسر جهان در راه صلح، دمکراسی، ترقی اجتماعی، در مبارزه طبقه کارگر جهان سرمایه داری برای نیل به سوسیالیسم، در بیکار خلقها برای رهایی از سلطه امپریالیسم و ستم نو استعماری، زنده است و هر روز فروزان تر می گردد.

عمل شمس.

اقدام به کودتای نافرجام ضد انقلابی توسط ژنرال اسپنیولا که خود از ماه مه تا سپتامبر ۷۴ رئیس جمهور این کشور بود و پس از آن به خارج گریخت، نمونه بارزی از تلاش ضد انقلاب جهانی برای شکست انقلاب پرتغال بود. بدنبال این توپیکه های ضد انقلابی از ۲۵ نوامبر ۷۵ چرخش به راست در سیاست پرتغال آغاز گشت و بازگشت و نابودی دستاورد های انقلاب در دستور کار قرار گرفت.

رهبری حزب سوسیالیست این کشور در تمام این روند گردش به راست متحد ارتجاع پرتغال بود. این حزب در سال ۱۹۷۶ بر مسند قدرت نشست. از طرف دیگر نیروهای چپ رو که ماجراجوییهای آنان به اپورتو نیمه راست در رسیدن به مقاصد شوم آن یاری می رساند، آب به آسیاب ارتجاع می ریختند.

حزب کمونیست پرتغال که درد و رانی فاشیسم سترگ مقاومت و نمونه برجسته ایشار و فدکاری بود پس از انقلاب با تمام قوا به دفاع جانانه از دستاوردهای آوریل پرداخت.

نگاهی کوتاه به شرایط فعلی پرتغال بروشنی مبارزه سخت و آشتی ناپذیر دواوردی ترقی و ارتجاع را نمایان می سازد. رهبران حزب سوسیالیست که در برنامه انتخاباتی خویش مبارزه با ارتجاع و سیاست ارتجاعی حکومت گذشته را اعلام داشتند، در سال گذشته پس از موفقیت نسبی خود تمام قولهای خویش را فراموش و برای یافتن اکثریت در پارلمان دست به ائتلاف با سوسیال دمکراتها زدند.

دولت ائتلافی دو حزب سوسیالیست و سوسیال دمکرات نیز چون ارتجاع موفقیته گذشته، سیاست احیا قدرت اقتصادی و سیاسی انحصارات امپریالیستی و بازگرداندن بخشهای ملی شده اقتصاد و اراضی تقسیم شده به سرمایه داران و ملاکین را در پیش گرفت و حتی در مواردی این سیاست را تشدید کرد. هموار کردن راه برای دستیابی مجدد سرمایه بزرگ به بخشهای کلیدی ملی شده از قبیل بانکها، شرکت های بیهوده، صنایع سیمان و تولیدات کوه شیمیایی، با آنکه مالکیت خصوصی در این بخشها در قانون اساسی ممنوع اعلام گردیده است، از مقاصد حکومت است. فشار به مردم زحمتکش تا آنجا پیش رفته است که حکومت در صدد مجوز برای سرمایه داران است تا بتوانند کارگران را اخراج کرده، سطح دستمزدها را پائین آورده و حتی برای کاهش آن از ساعات کار بکاهند.

محافل حاکم با طرح بحران عمیق اقتصادی

رویدادهای جهان



رفیق چرنکو به عنوان صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی انتخاب شد

در روز چهارشنبه ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد. شرکت کنندگان در این اجلاس، به اتفاق آراء، رفیق کنستانتین اوستینوویچ چرنکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را به سمت صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برگزیدند.

همچنین در روز پنجشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) در ادامه اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی، رفیق نیکولای تیخونوف مجدداً به مقام ریاست دولت، آندره گرومیکو به مقام وزارت امور خارجه و مارشال دیمیتری اوستینوف باریگر به مقام وزارت دفاع کشور برگزیده شدند.

۱۱ هزار ضد انقلابی

به نیکاراگوئه یورش آوردند

در دادگاه بین المللی لاهه رسیدگی به شکایت نیکاراگوئه علیه آمریکا در رابطه با مین گذاری بنا در این کشور توسط سازمان سیا ادامه دارد. در همین حال، در نیکاراگوئه نبردهای سختی میان نیروهای دولت انقلابی و ضد انقلابیون

تحت حمایت آمریکا، در گرفت. دانیل اورتگا هماهنگ کننده شورای دولتی نیکاراگوئه اعلام کرد بیش از ۱۱ هزار مزدور در حملات کنونی ضد انقلاب شرکت دارند. حدود ۶ هزار تن از این ضد انقلابیون از مناطق مرزی هندوراس و کستاریکا به نیکاراگوئه نفوذ کرده اند.

بیش از ۱۱۰ هزار عضو اتحادیه سندیکایی ساند نیست نیکاراگوئه تصمیم گرفته اند تولید را افزایش دهند. در کارخانجات و تعاونی ها افراد زیادی داوطلب شرکت در نبرد علیه ضد انقلاب شده اند.

ضد انقلابیون افغانی

مجهز به سلاح شیمیایی آمریکایی

در نمایشگاهی که در کابل پایتخت افغانستان برگزار گردید، ادوات و تجهیزات نظامی به غنیمت گرفته شده از اشراک و ضد انقلابیون افغانی به نمایش گذاشته شد. از جمله سلاحهایی که در این نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفت، بمبهای شیمیایی ساخت آمریکا بود. این سلاحها حاوی مواد سمی خطرناکی نظیر "توکسین" بودند. همچنین مقامات افغانستان اعلام کردند سازمان سیاه یکی از عوامل افغانی خود "سیانور" داده بود تا آب آشامیدنی شهر کابل را مسموم کند.

صوفیه میعادگاه

دانشجویان دمکرات جهان

کنگره اتحاد بین المللی دانشجویان روز پنجشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) در صوفیه پایتخت بلغارستان با شرکت نمایندگان قریب ۱۲۰ کشور جهان گشایش یافت. مهمترین بخش دستور کار این کنگره، مبارزه جوانان در راه

صلح و ترقی اجتماعی است. نتود و ریوکوف رهبر بلغارستان طی بیاناتی خطاب به شرکت کنندگان در کنگره گفت: "پیشرفت تمدن بدون صلحی پایدار غیر ممکن است." وی افزود جامعه کشورهای سوسیالیستی به نحوی پیگیرد راه تحکیم میانی امنیت بین المللی و قطع مسابقه تسلیحاتی مجاهدت می ورزند. نتود و ریوکوف اظهار داشت، سیاست نظامی گرانه و اشینگتن که موشکهای جدید هسته ای خود را در خاک اروپا مستقر و نقتله های جنگ فضایی را طرح ریزی می کند صلح جهانی را تهدید می نماید.

تظاهرات با شکوه کارگران فولاد

علیه سیاستهای دولت فرانسه

کارگران معادن آهن و کارخانه های فولاد سازی منطقه لورن فرانسه با ۳۰۰ اتوبوس و ۱۲ قطار ویژه روز ۱۳ آوریل به پاریس رفتند تا اعتراض خود را علیه طرح فولاد "دولت فرانسه اعلام نمایند. کارگران کارخانه های منطقه پاریس نیز به این راهپیمایی پیوسته و آنرا به بزرگترین راهپیمایی مردمی در فرانسه طرف سه سال گذشته، تبدیل کردند.

این راهپیمایی بوسیله ۶ سندیکای مهم فرانسه و در رأس آنها کنفدراسیون عمومی کسار (سی.ژ.ا.ت) سندیکای انقلابی که بزرگترین سندیکای کارگری فرانسه نیز هست، سازماندهی شده بود. این نخستین بار طی چند سال گذشته بود که این سندیکاها در یک راهپیمایی، مشترکاً و در سطح ملی شرکت می کردند.

روزنامه ومانیتور روز ۱۴ آوریل نوشت: "این حرکت جمعی تنها راه مقابله با فشارهای روزافزون کارفرمایان و احزاب دست راستی و پیشروی بسوی دستیابی به اهداف سال ۱۹۸۱ (سال پیروزی احزاب چپ در انتخابات) می باشد."

با جمع آوری

کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام

وظایف انقلابی خود

یاری دهید!

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای انگلستان

تأمین کردند

معادل بهای "اکثريت"

آلمان فدرال	۱ مارک	اتریش	۸ شلینگ
آمریکا	۵۰ سنت	سوئد	۳ کرون
انگلستان	۳۰ پنس	فرانسه	۳ فرانک
ایتالیا	۶۰۰ لیر	هندوستان	۴ روپیه

با نشریه "اکثريت" می توانید طریق آدرس های زیر را تهیه کنید.

آلمان فدرال
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا